ولایت‌مداری؛ مهم‌ترین عبرت عاشورا

یادداشت

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمهدی حائری‌زاده، خطیب و کارشناس مذهبی| نخستین عبرت نهفته در عاشورا آن است که بدانیم چه میزان پایبند ولایت هستیم و چقدر حاضر هستیم از اعتبار و آبرو و جان و مالمان برای ولی خدا هزینه کنیم. دوم آنکه بدانیم آن‌ها که در کربلا حضور داشتند، دین‌دار بودند و ظواهر شریعت را رعایت می‌کردند اما قربه‌الی‌ا...، حضرت ابوعبدا...(ع) را به شهادت رساندند! سومین عبرت عاشورا، توجه به تفاوت نگاه بین لشکر امام(ع) و لشکر یزید است. این تفاوت در گفتار و رفتار و بینش آن‌ها وجود داشت؛ تفاوت انسان‌ها به تفاوت نگاه آن‌ها بازمی‌گردد. علاوه‌بر این، باید بدانیم عاشورایی دیگر در آستانه تکوین است. امام حسین(ع) درباره وقوع عاشورا فرمودند: «مردم، شیطان را اطاعت و واجبات را رها کردند، حدود الهی تعطیل شد و دست درازی به بیت‌المال رایج بود». این‌ها عواملی است که بی‌توجهی به آن‌ها و عبرت نگرفتن از آن، به عاشوراهای دیگر ختم می‌شود. ولایت‌مداری یا عدم ولایت‌مداری، مهم‌ترین عبرت عاشوراست که ریشه آن به معرفت به امام بازمی‌گردد، لذا باید این معرفت به‌ویژه در عصر غیبت، ایجاد و تقویت شود تا پای کار امام زمان(عج) بمانیم؛ البته کسب معرفت شرایطی دارد؛ شیخ صدوق(ره) می‌گوید: معرفت هشت رکن اساسی دارد؛ ازجمله اینکه بدانیم امام معصوم واسطه فیض است، از جانب خدای متعال اختیار دارد و از خطا و اشتباه پاک است.

معاشرت با خوبان، اولیا و صلحا، مطالعه، توسل و فصل الخطاب و نصب العین قرار دادن عبرت‌های عاشورایی، معرفت‌افزاست و با برائت جستن از دشمنان اهل بیت(ع) در قلب، زبان و رفتار و نپیمودن مسیر دشمنان است که به مقام معیت با معصوم(ع) در دنیا و آخرت دست می‌یابیم: «اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَه».

بصیرت به‌منزله قطب‌نما و نمایشگر مسیر است که با وجود آن، هیچ غباری نمی‌تواند ما را از مسیر منحرف کند؛ اصلی‌ترین مشکل و عامل زمینه‌ساز جنایات کربلا، بی‌بصیرتی بود. برای مثال دو برادر در کربلا حضور داشتند؛ یکی عمروبن قرظه انصاری و دیگری علی بن قرظه انصاری؛ عمرو در لشکر امام حسین(ع) بود و به‌دلیل داشتن بصیرت، جان‌فدایی ایشان بود و دیگری در لشکر عمربن سعد حضور داشت و به‌دلیل بی‌بصیرتی، سپاه یزید را در شهادت امام معصوم(ع) همراهی کرد. اگر بصیرت باشد، امام تنها نمی‌ماند و مردم حلاوت دین‌داری را می‌چشند، اما اگر بصیرت، تبعیت و ولایت‌مداری نداشته باشیم، ولی خدا را تنها می‌گذاریم؛ چنان‌که مردم از امیرالمؤمنین(ع) غفلت کردند و حضرت فرمودند: «من از شما خسته شدم و شما نیز از من خسته‌اید؛ خدا من را از شما بگیرد!». چنین شد که پس از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، کسی مانند حجاج بن یوسف، حاکم کوفه شد که ۷۰ هزار شیعه را گردن زد. مردم روزی چندبار آه حسرت می‌کشیدند و سراغ امیرمؤمنان(ع) را می‌گرفتند. وقتی از ولی خدا غافل شویم، چنین مصائبی بروز می‌کند.

امروز مجموعه نهادهای فرهنگی، حوزه‌های علمیه، ائمه جماعات و جمعه باید در موضوع جهاد تبیین با محور عاشورا ورود کنند.

برای این اتفاق، باید به انتظارات امام زمان(عج) توجه کنیم. حضرت حجت(عج) این انتظارات را در دعای معروف «اللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفِیقَ الطّاعَه» بیان کرده‌اند. به هر میزان این توقعات را در زندگی فردی و اجتماعی و روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود حاکم کنیم، بهتر می‌توانیم از خیمه عزای حسینی به خیمه‌گاه مهدوی راه بیابیم.

حضرت زینب(س) نماد صبر و شهامت

شریعه

محمد جواد علیپورا صبح یازدهم محرم، حضرت زینب(س) با صدای ناله‌های خاموش زنان اهل حرم از خواب بیدار شدند. برای لحظه‌ای چشمان مبارکشان را بستند. گویی امید داشتند همه این رویدادها کابوسی بیش نباشد، اما وقتی چشم گشودند، با جهانی روبه‌رو شدند که دیگر هیچ چیزش مانند دیروز نبود. شب گذشته نماز شب را نشسته خوانده بودند؛ چراکه زانوهای مبارکشان توان ایستادن نداشت.

دیروز دل ایشان به برادر گرامی‌شان، امام حسین(ع)، به عباس و به برادرزادگانشان، علی‌اکبر(ع) و قاسم(ع) و به فرزندانشان گرم بود، اما امروز دیگر هیچ‌یک از آن عزیزان نبودند. خیمه‌ها سوخته بود، آسمان کربلا سیاه‌پوش عزای اهل‌بیت شده بود و زمین هنوز بوی خون شهیدان را در سینه داشت.

حضرت زینب(س) به چهره‌های زخمی کودکان نگاه کردند. نگاه رنج‌دیده امام سجاد(ع) که از بیماری و تشنگی به‌شدت ضعیف شده بود، دل بانوی صبور کربلا را به درد آورد. یاد آخرین نگاه برادرشان امام حسین(ع) افتادند؛ آن‌گاه که در آخرین لحظات حیات به‌سوی خیمه‌ها نگریست و فرمود: «خواهرم زینب! پس از من صبر کن!».

اسارت آغاز شد. سپاه عمرسعد به خیمه‌ها هجوم آوردند. فریاد زنان و کودکان بلند شد. حضرت زینب(س) خود را سپر کودکان ساختند. ایشان را همراه دیگر بازماندگان به‌سوی کوفه بردند. در راه، سرهای بریده شهیدان را بر نیزه‌ها دیدند. سر مبارک برادرشان امام حسین(ع) را شناختند؛ همان چهره نورانی که همیشه مایه آرامش‌شان بود، حالا بر بالای نیزه‌ها پیام شجاعت و مقاومت را فریاد می‌زد.

در کوفه، مردمی که روزی برای امام حسین(ع) نامه‌ها نوشته بودند، اینک با نگاه‌های حیرت‌زده به اسیران می‌نگریستند. حضرت زینب(س) درمیان آن جمعیت ایستادند و با شجاعتی بی‌نظیر خطاب به آنان فرمودند: «ای مردم فریبکار! آیا این همان وفاداری شماست؟». صدای رسای ایشان، همگان را به‌لرزه انداخت؛ انگار امیرالمؤمنین علی(ع) بار دیگر در کوفه خطبه می‌خواند. ایشان دختر همان پدر بود که خدای فصاحت و بلاغت بود و خطبه‌های بلیغش هنوز در یاد و خاطره این مردم بی‌وفا مانده بود. برخی سر به زیر انداختند. برخی گریستند.

امروز حضرت زینب(س) دیگر آن بانوی دیروز نبود. امروز ایشان بانوی قهرمان کربلا بود، پرچمدار رسالت خون شهیدان. آن بانوی بزرگوار می‌دانست که از این پس باید پیام برادر را به جهانیان برساند.

شهادت امام حسین(ع) پایان ماجرا نبود. اسارت خاندان پیامبر(ص) به کوفه و شام، باعث رسوایی یزید شد. سخنرانی‌های آتشین حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در دربار یزید، چهره واقعی امویان را برملا کرد. قیام عاشورا نهضتی شد که تا امروز الهام‌بخش آزادگان جهان است.

امام حسین(ع) با خون پاک خود ثابت کرد که دربرابر ظلم باید ایستاد، حتی اگر قیمتش جان باشد. ایشان فرمودند: «مرگ باعزت، بهتر از زندگی باذلت است» و این پیام، جاودانه ماند.

روضه‌های خانگی، برکت خانه‌ها و شهرمان هستند

کمی از کربلا در همین اتاق

معین البکاء

حمیده ذاکری| برای ما که پای سفره امام حسین(ع) بزرگ شده‌ایم، لازم نیست که تحقیقات علمی و پژوهش‌های کارشناسان را فهرست کنند تا برایمان از تأثیر مناسک و آیین‌های دینی در ایجاد حس آرامش و امنیت سخن بگویند. ما که دست‌پرورده روضه‌های محرم هستیم، می‌دانیم که محافل امام حسینی همیشه مکانی برای تقویت حمایت اجتماعی و هم‌بستگی بین مردم بوده است و بارها برکت این روضه‌ها را در بین خانواده و محله و شهرمان دیده‌ایم؛ برکتی که همیشه در بزنگاه‌های تاریخی دستمان را گرفته و دلمان را قرص کرده است؛ به همین خاطر خوب می‌دانیم که این روزها، پس از گذراندن شب‌ها و روزهای دفاع، هیچ دارویی مؤثرتر از چای روضه و هیچ درمانی مفیدتر از اشک بر سیدالشهدا(ع) به کارمان نخواهد آمد. در ادامه با پیشنهادهایی برای برگزاری برنامه‌های مذهبی، از برکات این آیین‌ها و مناسک برای این روزها خواهیم نوشت.

این دورهمی، سفارش رسول خداست

شاید سال‌های گذشته نگران بودی که خانه‌ات کوچک است یا مشغله‌ات زیاد، اما امسال تردید نکن و برای آرامش روح خودت و خانواده‌ات هم که شده، یک مجلس کوچک خانگی راه بینداز؛ خوب است بدانیم راه‌اندازی و شرکت در مجالس دینی، یکی از توصیه‌های رسول خدا(ص) است. پیامبر اکرم(ص) در این‌باره فرمودند: «بر تو باد به برپایی مجالس ذکر (مجالس معارف دینی) و شرکت در آن».

(الأمالی، ص۲۲۲)

روضه‌های خانگی، فضای معنوی و صمیمانه‌ای دارند و می‌توانند به خوبی اعضای خانواده و دوستان یا یک محله را دورهم جمع کنند. در این جمع شدن‌ها برکت‌های زیادی وجود دارد که نخستین آن‌ها، تقویت پیوندهای عاطفی بین اعضای یک خانواده یا یک محله است؛ به همین دلیل سعی کنید روضه‌هایتان را با مشارکت خانواده و اقوام برگزار کنید.

همراه با مجاهدین فی سبیل‌ا...

رهبر معظم انقلاب درباره ائمه اطهار(ع) می‌فرمایند: «یکی از خصوصیات ائمه طاهرین این بوده که همه آن‌ها مبارزین و مجاهدین فی سبیل‌ا... بودند. یکی از ائمه طاهرین را سراغ ندارید که این‌ها در موضع مجاهدت و مبارزه قرار نداشته باشند.» (۱۳۸۲/۸/۲). در این ایام که دوباره خاطرات حماسه و خون در کشورمان زنده شده است و همگی داغدار هموطنان عزیزمان هستیم، مجالس حسینی می‌توانند با یادآوری مجاهدت‌های ائمه اطهار(ع)، دل‌های ما را در مسیر حق محکم کنند و با ذکر مصائب و فضایل اهل بیت(ع)، مرهمی بر دل‌های رنج‌دیده و داغدار باشند. همچنین با انجام اعمال عبادی و ذکر خدا و مناسک دینی، می‌توانیم حس آرامش و امنیت را در خود و اطرافیانمان تقویت کنیم. به یاد داشته باشیم که ذکر خدا و مناجات به درگاه پروردگار، یکی از توصیه‌های ائمه به مجاهدان میدان مبارزه است.

در خانه‌تان ماتم برپا کنید!

برپایی روضه‌های خانگی را می‌توان یکی از آداب توصیه شده در عزای حسینی و ادای احترام به سیدالشهدا(ع) دانست. امام باقر(ع) در توصیه به افرادی که امکان زیارت مرقد مطهر امام حسین(ع) و یارانشان را در روز دهم محرم ندارند، فرموده‌اند: «....وقتی روز عاشورا می‌شود، به بیابان برود یا روی بلندی خانه‌اش، با اشاره به امام حسین(ع) سلام کند و با جدیت، بر قاتلش نفرین کند و پس از آن، دو رکعت نماز بگزارد. این کار را نزدیک ظهر، قبل از اذان، انجام دهد. آن‌گاه بر حسین(ع) مرثیه بسراید و بگرید و سفارش کند کسانی که در خانه‌اش هستند، بر حسین(ع) گریه کنند و باناله کردن بر حسین(ع)، در خانه‌اش ماتم برپا کند و باهم برای گریستن، هم‌صدا شوند....».

(کامل‌الزیارات، ص۱۹۳-۱۹۴)

شفای قلب و جلای جان

در کلام پیامبر رحمت(ص) یکی از ثمرات مجالس ذکر اهل بیت(ع)، صفای روح و جان آدمی است. ایشان در این‌باره می‌فرمایند: «یکدیگر را ملاقات کنید و از احادیث ما بگویید؛ چراکه حدیث ما جلابخش قلوب است. همانا دل‌ها، چونان شمشیرها، زنگار می‌گیرند؛ جلا و صیقل دل‌ها به ذکر حدیث است.»

(الکافی: ص۴۱، روایت۸)

همچنین امام علی(ع) درباره ثمرات یاد اهل بیت(ع) می‌فرمایند: «ذِکرُنا أهلَ البَیتِ شِفاءٌ مِنَ العِلَلِ وَالأَسقامِ وَوَسواسِ الرَّیبِ؛ یاد ما اهل بیت شفابخش بیماری‌ها و ناخوشی‌ها و درمانگر وسوسه شک است» (خصال ج۲، ص۶۲۵).

باتوجه به این معنا، مجالس اهل بیت(ع) در فرهنگ عامه نیز، پناهی برای سختی‌ها و مشکل‌گشای دردها و رنج‌ها بوده است و به همین دلیل، از این مجالس به‌عنوان دارالشفا یاد می‌شود.

نعمتی که مانند باغ‌های بهشتی است

رهبر معظم انقلاب، برگزاری مجلس عزا در ماه محرم را برای جامعه شیعه نعمت می‌دانند و در این‌باره فرموده‌اند: «یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها، نعمت خاطره و یاد حسین بن علی(ع)، یعنی نعمت مجالس عزا، نعمت محرم و نعمت عاشورا برای جامعه شیعی ماست».

(۱۳۷۳/۰۳/۱۷)

روضه‌های خانگی، محفل ذکر اهل بیت(ع) هستند؛ جمع‌های کوچک و بزرگی که برای بازگو کردن سیره اهل بیت(ع) و آموزه‌های دینی تشکیل می‌شوند. رسول خدا(ص) درباره این مجالس فرموده‌اند: «هرگاه به باغی از باغ‌های بهشت برخورد کردید، در آن حاضر شوید. سؤال شد باغ‌های بهشت چیست. فرمودند: مجالس ذکر (مانند اجتماعاتی که در آن یاد خدا و اهل بیت(ع) و حسین(ع) زنده می‌شود)».

(عده‌الداعی و نجاح‌الساعی، ص۲۳۸)

برکتی که به زندگی‌مان می‌آید

آیت‌ا... قاضی روضه‌های خانگی را یکی از زمینه‌های گشایش کارها معرفی کرده است: «در مستحبات تعزیه‌داری و زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) مسامحه نکنید و روضه هفتگی ولو دوسه نفر باشد، اسباب گشایش امور است...». روایات بسیاری وجود دارد که برکت و خیر و افزایش رزق و روزی و طول عمر را برای خانه‌هایی که در آن روضه برگزار می‌شود، بیان می‌کنند. در روضه‌های خانگی، معمولا دعا و طلب مغفرت برای اهل مجلس و شرکت‌کنندگان انجام می‌شود که این امر می‌تواند باعث آمرزش گناهان و نزول برکات الهی شود. حضرت صادق(ع) در این باره فرموده‌اند: «خدا رحمت کند آن‌هایی که جمع می‌شوند و احادیث ما را گفت‌وگو می‌کنند؛ ملائک نیز برای آن‌ها استغفار می‌کنند». همچنین مجالس ذکر اهل بیت(ع) معمولا موجب تشکیل گروه‌های حمایتی و بسیج خیران می‌شود؛ امری که در این ایام می‌تواند به ما کمک کند تا دوباره دورهم جمع شویم و به کار یکدیگر رسیدگی کنیم.

روشنا

امام صادق(ع): ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب ا... له الجنه و غفر له. **(رجال شیخ‌طوسی، ص۲۸۹)**

امام صادق(ع) فرمودند: هیچ کسی نیست که درباره حسین(ع) شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند؛ مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد.

شنیدنی

سر به مُهر

الهام مهدی‌زاده| فراز آخر و ذکر سجده تمام شد: «الْحَمْدُ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاکِرِینَ لَکَ عَلَی مُصابِهِمْ...». دلم خواست همچنان سر به مهر بمانم. همهمه جمعیت و رفت‌وآمدشان برایم معنایی نداشت؛ گویی حکایت بسته بودن قلبم، فقط با پیشانی نهاده بر تربت پاک امام حسین(ع) گشوده می‌شد. نیم ساعت قبل، هنگام خواندن فرازهای زیارت عاشورا تک‌تک خواسته‌ها و آرزوهایم را چون دانه‌های تسبیح به نخ کشیده شده، اولویت‌بندی کرده بودم. فهرست آرزوهایی که با سجده عاشورا و تأکید مداح حسینیه ازهم گسست؛ «لابه‌لای دعاهاتون شهدای گمنام رو هم یاد کنید». گمنام، شهدای گمنام، رازهای سر به مهر بسیاری دارند! این را می‌توان از همان سنگ قبرهایشان دریافت؛ سنگ قبرهایی سفید بدون نام و نام خانوادگی، بدون تاریخ تولد و حتی بدون تاریخ دقیق شهادت. همه چیز برای شهدای گمنام سر به مهر است، حتی آن قطعه خاکی که با خونشان گلگون شد. این تأکید مداح، حس‌وحال زیارت عاشورا در گلزار سه شهید گمنام میدان شهدای مشهد را تداعی می‌کند؛ حسی خاص و خواستنی. درست مثل حس‌وحال خاص دو دختر جوانی که نذر کرده بودند برای این شهدا زیارت عاشورا بخوانند. یک روز صبح، اتفاقی دیدمشان. یک بسته خرما روی یکی از سه سنگ قبر شهدای گمنام گذاشته بودند و آرام زیارت عاشورا می‌خواندند.

پس از زیارت عاشورا و تعارف خرما، فرصتی دست می‌دهد تا گپ کوتاهی بزنیم. یکی از دخترها حرف‌هایش را با جملاتی از گذشته شروع می‌کند: «هربار با مامانم به بهشت رضا(ع) می‌رفتیم، محال بود یک سر تا گلزار شهدا نره. می‌گفت شهدا و به‌ویژه شهدای گمنام، کسی رو ندارن که سر قبرشون بره؛ نه مادری نه خواهری. خدا می‌دونه شاید هنوز مادرشون چشم به‌راهه. مامانم...(یک سکوت کوتاه و ادامه صحبتش) مامانم چند ماه قبل فوت کرد. حالا هروقت دلم می‌گیره، با دوستم سری به قبور شهدای گمنام میدان شهدا می‌زنم. (خطاب به دوستش) این دوستم چندباری همراه من بوده. مثل امروز که با هم آمدیم». حرف‌های این دختر جوان مثل همان حال‌وهوای مزار شهدای گمنام میدان شهدا به دل می‌نشیند. حال‌وهوای گلزار شهدای گمنام میدان شهدا همیشه با سکوت خاصی معنا پیدا می‌کند. دیوارهای دو طرف راهروی شیب‌دار مسیر رسیدن به گلزار شهدای گمنام، با پرچم‌ها و سربندهای یاحسین(ع) تزیین شده است. انتهای راهرو و بر روی میزی ساده، چند مین و کلاهی با سربند منقش به «یازهرا(س)» قرار دارد. سکوت گلزار شهدای گمنام، گاه با صدای یاکریم‌ها و گنجشکانی که از فضای باز اطراف و پروژه درحال ساخت قطارشهری به این مکان پناه آورده‌اند، شکسته می‌شود. در گوشه‌ای دنج از گلزار و بر روی موکت‌های قهوه‌ای رنگ یا سنگ‌فرش‌های سکوهای اطراف، چند نفر نشسته‌اند و به نجوا و طلب حاجت مشغولند. ورود به گلزار شهدا و زمزمه زیارت عاشورا، همراه با پیشانی ساییدن بر مهر، گویی همان رسم نانوشته است که هر فرد با ورود به گلزار این شهدا، ناخودآگاه به آن عمل می‌کند؛ شاید به این دلیل که عاشورا و شهادت، پیوندی ناگسستنی دارند؛ پیوندی تا ابد... .